

تحلیل و بررسی علت گسترش مناطق حاشیه نشین شهرستان زابل و برنامه ریزی منطقه ای

(بومی) مبتنی بر مهار معضل

مطهره صالحی^۱، حبیب الله سالارزهی^{۲*}، عبدالمجید ایمانی^۳

۱-دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت دولتی گرایش تصمیم گیری و خط مشی گذاری عمومی دانشگاه سیستان و بلوچستان-زاهدان-ایران.

۲-دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان-زاهدان-ایران

۳-استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان-زاهدان-ایران

salarzehi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

چکیده :

شهر زابل با توجه به گسترشی که دارد با پدیده حاشیه نشینی مواجهه است. علت گسترش حاشیه نشینی افزایش امکانات رفاه در شهر، رهایی نیروی کار از بخش کشاورزی، دامداری، خشک شدن رودخانه هیرمند و تالاب هامون، بسته شدن مرز وعدم رونق توسعه بازارچه‌های مرزی در روستاها و بیکاری آنها به علت نبود نگاه مثبت اقتصادی از سوی خط‌مشی‌گذاران به روستاهای سیستان باعث شده تا توازن شهر و روستا از بین برود که منجر به مهاجرت به شهر شده و همچنین فقر، بیکاری، ارزانی ملک اجاره‌بها زمین در مناطق حاشیه و نبود فضای سبز در مناطق اصلی شهر نیز به شکل‌گیری مشکلات فراوانی از جمله اسکان غیررسمی منجر گردیده است. از این رو این پژوهش در پاسخ به این سوال انجام پذیرفت که علت گسترش مناطق حاشیه نشین شهرستان زابل و برنامه ریزی منطقه ای مبتنی بر مهار معضل کدامند؟ پژوهش به روش کیفی، مبتنی بر تحلیل تم و ابزار اطلاعات مورد نیاز این پژوهش بررسی ادبیات و مبانی نظری تحقیق، اسناد و مدارک، مشاهدات میدانی و مطالعات اکتشافی نگارنده و مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۲۰ نفر از نخبگان درباره ی جامعیت دسته بندی شاخص ها انجام گرفت. پس از انجام تجزیه و تحلیل داده ها تم های اقتصادی و محیطی و عدم سیاست گذاری صحیح توسعه روستایی منطقه سیستان به عنوان علت گسترش مناطق حاشیه نشین شهرستان زابل و پیشگیری در مبدا (روستاهای منطقه سیستان) و پیشگیری در مقصد (شهرستان زابل) به عنوان برنامه ریزی منطقه ای مبتنی بر مهار گسترش حاشیه نشینی مورد شناسایی و بحث قرار گرفتند

کلید واژه ها : حاشیه نشینی، برنامه ریزی، شهرستان زابل، روستاهای سیستان، تحلیل تم

مقدمه :

شهرستان زابل یکی از شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی ایران است و مرکز منطقه سیستان است مردم شهرستان زابل از دو قوم سیستانی و بلوچ هستند. زابل از جایگاه و ارزش والایی از لحاظ پیشینه تاریخی خوب و فرهنگ و تاریخ غنی ، در میان شهرها و مناطق مختلف کشور ایران برخوردار است.

شهرستان زابل با مساحت ۳۴۴ کیلومترمربع در ضلع شمال شرقی استان سیستان و بلوچستان با مختصات جغرافیایی ۳۱ درجه و ۲ دقیقه عرض شمالی و ۶۱ درجه و ۳۹ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. شهرستان زابل از شمال به شهرستان نیمروز، از شرق به شهرستان هیرمند و از جنوب به شهرستان‌های هامون و زهک و از غرب به شهرستان هامون محدود می‌شود. فاصله مرکز شهرستان تا مرکز استان ۲۰۷ کیلومتر است. شهرستان زابل دارای دو شهر (زابل و بنجار) و به‌عنوان مرکز سیستان ۱۷۱۹۴۰ نفر جمعیت که از این تعداد ۱۳۷۷۲۲ نفر آن در شهر زابل ، ۴۰۸۸ نفر آن در شهر بنجار و ۳۰۱۳۰ نفر آن در ۷۸ آبادی بزرگ و کوچک در بخش مرکزی استقرار دارند. مسافت شهرستان زابل تا تهران ۱۵۴۸ کیلومتر و ارتفاع از سطح دریا ۴۸۰ متر می‌باشد. آب‌وهوای زابل از نوع بیابانی گرم و خشک با حداقل دما در دی‌ماه ۷ درجه و حداکثر دما در تیرماه بالای ۴۵ درجه گزارش شده است.

(<https://www.sbportal.ir/fa/cities/zabol>)



شکل ۱: تقسیمات سیاسی شهرستان زابل

شکل‌گیری محلات حاشیه‌نشین زابل عمدتاً بدون برنامه و خارج از ضوابط در اراضی و یا سکونتگاه‌های پیرامون شهری است که عوامل گوناگونی در بروز هر یک از آنها مؤثرند. اراضی اطراف شهر به‌وسیله حاشیه‌نشینان تصرف شده و در ادامه با افزایش جمعیت، به یک هسته جمعیتی در اطراف شهر تبدیل شده. محلات قدیمی مانند ورقه، قاسم‌آباد، معصوم‌آباد و حسین‌آباد و القورآباد و محلات جدیدتر مانند اسلامی، افشار، اسلام‌آباد،

شاهرودی، شهید حسینی، حاجی آباد، باقرآباد و سام شرقی از جمله این محلات حاشیه‌ای هستند. سکونتگاه‌های روستایی واقع در پیرامون نقاط شهری به دلایل گوناگون از جمله مهاجرت از سایر نقاط روستایی و شهری منطقه، دچار افزایش سریع جمعیتی شده و به تدریج تبدیل به محدوده‌ای حاشیه‌ای می‌شوند. محله شهید سراوانی (روستای شهید سراوانسی)، روستاهای سیاه مرد، محمدآباد، سرحدی شمالی، دلارامی، خراشادی، فتح اله و حسن آباد از جمله این روستاها می‌باشند. (بزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹)

خشک شدن رودخانه هیرمند و دریاچه هامون و عدم مدیریت صحیح منابع آبی در بخش کشاورزی باعث به وجود آمدن خشک‌سالی و فقر و از بین رفتن مراتع طبیعی و دام‌ها در منطقه زابل شده است. از سوی دیگر بسته شدن مرز و از دست دادن کسب‌وکار باعث فقر بیشتر و افزایش حاشیه‌نشینی در زابل شده است (روزنامه هم‌شهری آنلاین «فقر و حاشیه‌نشینی زابل»، بیست و چهار آذر ۹۶).

یکی از عوامل مهم حاشیه‌نشینی در کشور به خصوص در شهرستان زابل فقر و اعتیاد است که برخی از مناطق آن را به پاتوق معتادان تبدیل کرده است. باین حال عدم امکانات رفاهی و همچنین نبود فضای سبز در مناطق اصلی شهرستان زابل نیز باعث شده است تا مردم بین زندگی حاشیه‌نشینی و شهری تفاوتی احساس نکنند. ۴۵ درصد شهرستان زابل را حاشیه‌نشینی تشکیل می‌دهد. از ۳۹ محله این شهرستان ۲۶ محله حاشیه‌نشین هستند که به‌طور کلی با نیمی از جمعیت دیگر شهرستان برابری می‌کند (پایگاه تحلیلی خبری شهرستان سراوان «حاشیه‌نشینی در زابل به ۴۵ درصد رسید»، شانزدهم تیر ۹۸)

مطالعات انجام شده در مورد حاشیه‌نشینان شهرهای مختلف از خانوارهای کشور نشان می‌دهد که حاشیه‌نشینان عمدتاً مهاجر روستایی هستند و بیشتر سرپرستان حاشیه‌نشین از سواد، مدرک تحصیلی و تخصص پایین برخوردار بوده، شغل مناسبی نداشته و در مشاغل بسیار پایین فعالیت دارند (Lahasaey zadeh, 1998: 25)

شهر زابل با توجه به مرکزیت منطقه سیستان و هم‌مرز بودن با افغانستان، بلایای طبیعی مانند خشک‌سالی‌های دوره‌ای و طولانی، از بین رفتن کشاورزی، دامداری و وجود بیکاری در مناطق روستایی و عشایری با مهاجرت بی‌رویه منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مواجه بوده است. همچنین الحاق روستاهای اطراف به شهر باعث رشد محلات حاشیه‌ای شده، به طوری که تعداد محلات حاشیه آن در سال ۱۹۷۱ میلادی که دو تا سه محله کوچک بوده، به بیش از ۱۴ محله حاشیه‌ای در سال ۱۹۸۶ میلادی رسیده و در حال حاضر نیز با رشد نامعقول، این تعداد محلات در حال افزایش می‌باشند (Bazzi, 2007: 24)

ساکنین حاشیه شهرها از مشکلات بسیاری از جمله عدم برخورداری از شغل پایدار و روی آوردن به مشاغل کاذب، بی‌سوادی، پایین بودن سطح بهداشت، عدم بهره‌مندی از آب سالم، اعتیاد، کمبود روشنایی و در نتیجه افزایش سرقت رنج می‌برند. (خبرگزاری بین‌المللی قرآن «حاشیه‌نشینی ۴۱ درصدی مردم سیستان و بلوچستان» بیست‌وپنج دی ۹۶)

مهاجرت فزاینده و عدم وجود تمهیدات لازم در تأمین نیازها از جمله مسکن در شهرها عامل اصلی اسکان غیررسمی و نابهنجاری مسکن دانسته می‌شود. در واقع مهاجرت گسترده به شهرها و رشد فزاینده و سریع جمعیت شهری، موجب پیشی گرفتن رشد شهر از مدیریت شهری می‌شود و عامل اصلی شکل‌گیری اسکان غیررسمی است (Iranidoust, 2010: 164) در سطح خرد، شکل‌گیری و توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی تابعی از فرایند درونی اجتماع مانند مذهب، نژاد، مکان، شغل، سطح درآمد و آموزش و فرایند بیرونی مانند مالکیت و تصرف و سیاست‌های دولتی و ضوابط و مقررات و از این دست موارد دانسته و در نظر گرفته می‌شوند (Sheikhi, 2002: 36-51). دسترسی ناپذیر به نظام‌های رسمی اعتباری وام و مسکن برای کم‌درآمدها، عدم پیش‌بینی فضای مسکونی کافی و مناسب برای اقبال کم‌درآمد، وجود باندهای قدرت نامشروع و سوداگران زمین باز (Sarrafi, 2002: 6-7)، نادیده گرفتن زمین و مسکن و تأمین مالی مسکن گروه‌های کم‌درآمد و شاغل در بخش غیررسمی در سیاست‌های کلان کشور (Amchaki, 2003: 56-64) و بسیاری موارد از این قبیل، از جمله علل شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در کشور ما می‌باشند.

درواقع می‌توان گفت که علت‌های اصلی گسترش حاشیه‌نشینی در شهرستان زابل مهاجرت روستاییان به شهرستان زابل که به علت عدم توجه مسئولان به (بخش‌های کشاورزی، دامپروری و هم‌چنین خشک شدن رودخانه هیرمند و تالاب هامون، شیلات، صنایع دستی، کارگاهی، گردشگری و توسعه بازارچه‌های مرزی می‌باشد) بدین طریق روستاییان به اجبار قصد مهاجرت از روستا به شهر را می‌گیرند و همچنین فقر، بیکاری، ارزانی ملک، ارزانی اجاره‌بها و ارزانی زمین در مناطق حاشیه و نبود فضای سبز در مناطق اصلی شهرستان زابل نیز باعث شده است تا مردم بومی بین زندگی حاشیه‌نشینی و شهری تفاوتی احساس نکنند از این رو این پژوهش در پاسخ به این سوال اساسی انجام پذیرفت که علت گسترش مناطق حاشیه‌نشین شهرستان زابل و برنامه ریزی منطقه ای مبتنی بر مهار معضل کدامند؟ صورت گرفت

مبانی نظری :

از سال‌های ۱۹۵۰ میلادی به بعد بحث‌های مرتبط با سکونتگاه‌های غیررسمی در جهان به خصوص جهان سوم به صورتی گسترده مطرح شد، و تحلیل‌های متفاوت و راهکارهای گوناگونی در این رابطه مطرح گردید. اما هریک دارای نواقصی بوده است و قادر به دستیابی به هدف واقعی نبوده‌اند، از این رویکردها می‌توان از نادیده انگاشتن،

حذف و تخلیه اجباری، تأمین سرپناه و گاه تأمین خدمات و تسهیلات موردنیاز برای ساکنان این سکونتگاه‌ها نام برد، که در آن‌ها به‌طور ریشه‌ای به اصل موضوع یا علت پرداخته نمی‌شد و صرفاً به ارائه راهکارهای موقت بسنده کردند (شریعت زاده، ۱۳۸۲: ۲۳۷)

مناطق حاشیه‌نشین و سکونتگاه‌های غیررسمی به‌عنوان یک‌راه حل برای تأمین مسکن ارزان و اقتصادی برای ساکنانی که از درآمد و دست مزد بالایی برخوردار نیستند محسوب می‌گردد و تا هنگامی که تفاوت کلی در میزان درآمد میان شهر و روستا و بین مناطق مختلف یک کشور و همچنین بین گروه‌های اجتماعی یک جامعه وجود داشته باشد، گسترش حاشیه‌نشینی نیز همچنان باقی خواهند ماند، لذا توجه به اسکان غیررسمی امری اجتناب‌ناپذیر است (mumtaz, 2001) در صورتی که به مباحث شهرنشینی، رشد و توسعه شهری و نحوه کیفیت آن توجه نگردد بدون شک، روند این تحولات به نفع محیط شهر و شهروندان ساکن در آن نخواهد بود. رئیس پیشین بانک جهانی رابرت مک‌ناما در مورد اهمیت توجه به این مسئله می‌گوید که اگر شهرها با فقر برخورد سازنده‌تری را آغاز نکنند، ممکن است فقر برخوردی ویرانگر را با شهرها شروع کند (صراف، ۱۳۸۲: ۳۶)

آمارهای رسمی اسکان بشر سازمان ملل متحد نشان می‌دهد در سال ۲۰۰۳ حدود یک میلیارد از جمعیت شهری جهان در مناطق حاشیه‌زندگی می‌کردند. طبق برآوردهای بانک جهانی تا سال ۲۰۲۵، ۸۸ درصد از مجموع رشد جمعیت جهان در نواحی شهری وسیع اتفاق خواهد افتاد و ۹۰ درصد از این رشد شهری در کشورهای در حال توسعه جذب خواهد شد. گزارش چالش‌های آلودگی‌نشینی سازمان ملل حاکی از آن است که حداقل ۴۰ درصد سکونتگاه‌های جهان به‌عنوان آلودگی‌بندی می‌شوند، ۳۱ درصد جمعیت کل جهان، ۴۳ درصد جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه، ۷۸/۲ درصد جمعیت شهری کشورهای کمتر توسعه‌یافته و حدود ۶ درصد در کشورهای توسعه‌یافته در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند (un, ۲۰۰۹: ۳). بنابراین یکی از موانع عمده توسعه پایدار شهری به‌ویژه در جهان سوم، نرخ حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی است.

حاشیه‌نشینی به‌واقع یکی از بارزترین چهره‌های فقر شهری در بیشتر شهرهای مهاجرپذیر کشور ماست که با عناوینی همچون حاشیه‌نشینی، سکونتگاه‌های خودرو، مسکن‌های نابهنجار، اجتماعات آلودگی و مانند این‌ها نیز شناخته می‌شوند (نوذری، ۱۳۸۵: ۵)

بررسی‌های پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی در جهان نشان می‌دهد که در سال ۱۸۰۰ میلادی تنها ۵۱ میلیون نفر در سراسر جهان در مناطق شهری زندگی می‌کردند. این میزان در سال ۱۹۵۷ به ۱,۵ میلیارد نفر و در سال ۲۰۰۰ به ۳ میلیارد نفر افزایش یافت که این جمعیت، از کل جمعیت کره زمین در سال ۱۹۶۰ نیز بیشتر بوده است (هادی زاده بزاز، ۱۳۸۲: ۱۲) در دوازدهمین اجلاس کمیسیون توسعه پایدار در گزارش دبیر کل سازمان ملل آمده است که ۹۰۰

میلیون نفر از جمعیت جهان در زاغه‌ها زندگی می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود که این تعداد در سی سال آینده به دو میلیارد نفر برسد. بنابر تحقیقات به‌عمل‌آمده از سوی کارشناسان، از نیمه دوم سال ۱۹۷۰ افراد کم‌درآمد در کشورهای فقیر، ۴۰ درصد افزایش یافته‌اند

مطالعات و بررسی‌های متعدد در شهرهای مختلف کشور نشان می‌دهد که این سابقه از نظر زمانی از سال‌ها پیش از سال ۱۳۲۰ و به دنبال نفوذ فرهنگ و اقتصاد سرمایه‌داری در ایران آغاز گردید و سپس منجر به تحولاتی شد که نهایتاً موجب گسترش بی‌رویه شهرها و انزوای روستاها گردید.

در اثر این تغییر و تحولات تعادل اقتصادی و اجتماعی به‌هم‌ریخته، مهاجرت روستائیان به شهرها آغاز گردید. مکانیسم این تغییر و تحول به سه بخش قابل تقسیم است:

۱- نفت از آغاز قرن حاضر شمسی مورد بهره‌برداری قرار گرفته بود، در دهه ۱۳۳۰ نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد کشور به عهده داشت و مسلم است که بیش از هر جا، شهرها که از نتایج این درآمدها سود برده بودند، متحول شدند.

۲- برنامه‌های ۷ ساله از سال ۱۳۲۸ آغاز شده بودند، بیش‌ازپیش رونق شهرها را موجب شدند که به‌طوری‌که در برنامه دوم (۱۳۳۴-۱۳۴۱) بیش از ۱۷ درصد اعتبارات به امور اجتماعی اختصاص یافت که عمدتاً صرف لوله‌کشی، برقرسانی و ایجاد تأسیسات درمانی و آموزشی و... در نقاط شهری شد.

۳- اصلاحات ارضی که از سال ۱۳۴۱ به اجرا گذاشته شد به‌نوبه خود سیر مهاجرت روستائیان به شهرها را تشدید کرد.

عده‌ای از کشاورزان که بعد از اصلاحات ارضی صاحب قطعه زمین کوچکی شدند، به علت آنکه از عهده مخارج و هزینه‌های زراعت برنمی‌آمدند و وام‌ها و اعتبارهای بخش دولتی نیز حتی در صورتی که شامل آن‌ها می‌شد آنقدر اندک بود که کفاف هزینه‌های مذکور را نمی‌کرد.

کشاورزان به‌ناچار متوسل به نزول‌خواران می‌شوند و با بهره‌های زیاد وام می‌گرفتند، برخی از زارعان که زمین‌های کوچک کفاف مخارج آن‌ها را نمی‌داد و دسترس به وام و اعتبار مناسب هم برای ارتقاء بازدهی بر ایشان امکان نداشت، سرانجام مجبور می‌شدند زمین‌های خود را بفروشند و اقدام به مهاجرت نمایند (نجمی، ۱۳۷۵: ۴۳-۱۳).

به این ترتیب شروع حاشیه‌نشینی در ایران را از دهه‌های نخستین قرن حاضر هجری و بخصوص دهه ۱۳۳۰ دانست.

یعنی زمانی که گسترش تأسیسات شهری و شبکه‌های ارتباطی و همچنین افزایش درآمد حاصل از نفت، موجب رونق شهرها و ایجاد جاذبه‌های شهری و از سوی دیگر، اصلاحات ارضی و

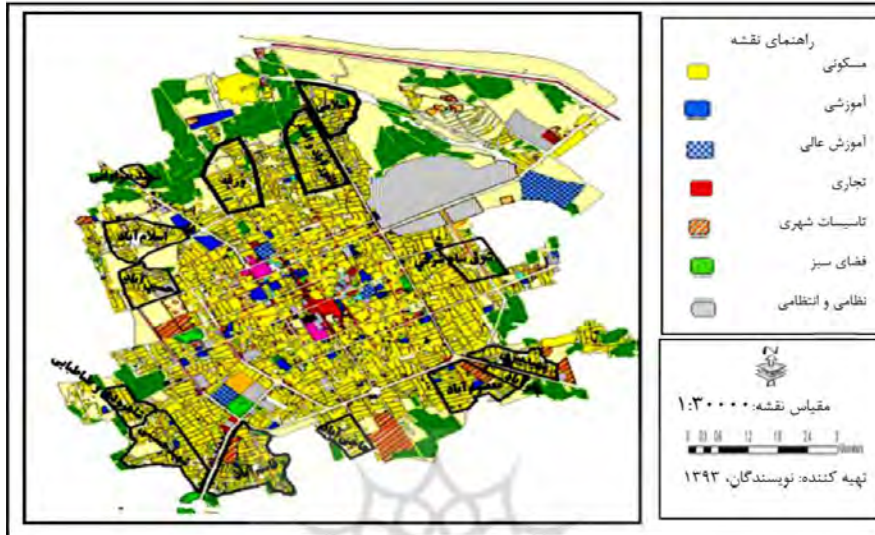
مکانیزاسیون کشاورزی و عدم دگرگونی‌های اساسی در روستاها و در بخش کشاورزی دافعه روستایی را تشدید کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ تحولات مهمی در سکونتگاه‌های غیررسمی رخ داده است. یکی از مهم‌ترین اتفاقات دهه یادشده، افزایش خانوارهایی است که از سکونتگاه‌های رسمی درون شهرهای بزرگ به سکونتگاه‌های غیررسمی و یا اجتماعات آونکی نقل مکان نمودند. مهم‌ترین دلیل این امر مشکلات اقتصادی خانوارهای شهری از یک‌سو و تمایل برخی دیگر از شهرنشینان برای به دست آوردن مبالغی به‌منظور سرمایه‌گذاری و کسب درآمد برای هزینه کردن ماهیانه است. یعنی گروه‌های موردنظر برای حذف هزینه مسکن رسمی ترجیح می‌دهند از مناطق رسمی درون‌شهری به اجتماعات آونکی روی آورند (پیران، ۱۳۸۱: ۳۴)

شهر زابل مرکز منطقه سیستان با توجه به مرکزیت منطقه و اتصال روستاها به شهر، مهاجرت روستاییان و عشایر منطقه سیستان به شهر زابل به خاطر خشکسالی، کارهای عمرانی و زیر بنایی، رشد شهرستان، اثرات مرزی و قاچاق سوخت موجب توسعه پدیده‌ی حاشیه‌نشینی در این شهرستان شده است.

محل‌های حاشیه‌ای شهر زابل با توجه به قدمت آن‌ها، نحوه‌ی شکل‌گیری‌شان متفاوت است. به‌طور کلی، می‌توان دلایل شکل‌گیری این محل‌ها را به‌صورت زیر تقسیم کرد:

- ۱- محل‌های ناشی از رشد شهرستان زابل مانند قاسم‌آباد، معصوم‌آباد، ورقه، القورآباد، باقرآباد شهید پیری و حاجی‌آباد
- ۲- محل‌های ناشی از اثرات مرزی و قاچاق سوخت مانند اسلامی، قسمتی از محله قاسم‌آباد در اطراف فلکه رستم، انتهای محله القورآباد رو به روی محله‌ی اسلامی و شهید حسینی در اطراف گاراژها.
- ۳- محل‌های ناشی از اتصال روستاها به شهر مانند شهید سراوانی و علی افشار.
- ۴- محل‌های ناشی از خشکسالی‌ها و مهاجرت روستاییان و عشایر منطقه سیستان به شهر زابل مانند اسلام‌آباد، حسین‌آباد، شاه‌رودی و طباطبایی شهید حسینی.
- ۵- محل‌های ناشی از کارهای عمرانی و زیر بنایی به‌خصوص دانشگاه ملی و آزاد مانند شرق سام شرقی. (بزی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱-۱۰)



شکل ۲: موقعیت محله‌های حاشیه‌ای شهر زابل (منبع: طرح جامع شهر زابل، مهندسین مشاور طاش و نویسندگان)

تحقیقات علمی و میدانی جامعه‌شناسان و دستگاه‌های مسئول درباره پدیده حاشیه نشینی در ایران، رهیافت‌هایی را به دست داده‌اند که سیمایی از ریشه بروز این پدیده تا اشکال شکل‌گیری و ویژگی‌های ساکنان این نقاط را پیش روی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران عرصه‌های مختلف اعم از شهرداری‌ها، وزارت خانه‌های مرتبط نظیر راه و شهرسازی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش، و حتی نهادهای قضایی و انتظامی قرار می‌دهد. ابعاد حاشیه نشینی به صورت دسته‌بندی شده در جدول شماره (۱) آمده است. (پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی، «آشنایی با تعاریف حاشیه‌نشینی و وضعیت حاشیه‌نشینان در ایران و جهان»، شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۴)

جدول شماره ۱. دلایل شکل‌گیری، ابعاد و آثار حاشیه‌نشینی

ابعاد	مصادیق
ویژگی‌های حاشیه‌نشینان	<ul style="list-style-type: none"> ➤ بیشتر افراد مهاجر روستایی و عشایر و کمتر شهری هستند ➤ جذب نظام اجتماعی و اقتصادی شهری نشده و به عنوان یک شهروند مشروع در جامعه شهری پذیرفته نشده‌اند. ➤ فاقد مهارت لازم و در بعضی از اوقات غیرماهرند و اغلب شغل هم ندارند ➤ دچار فقر شهری (درآمد پایین، سرمایه انسانی پایین، سواد پایین، سلامتی در معرض تهدید، سرمایه اجتماعی پایین، سرمایه اقتصادی پایین) ➤ اغلب افراد فقیر و غالباً بی‌سواد و کم‌سواد، معمولاً فاقد شغل رسمی و وجود پررنگ زنان سرپرست خانوار

<ul style="list-style-type: none"> ➤ فقر، درآمد پایین و نامناسب بودن نظام مقررات ساختمان ➤ نابرابری اجتماعی و رانده‌شدگی ➤ محدودیت‌های موجود در زادگاه افرادی که به حاشیه‌نشینی روی می‌آورند ➤ رانده شدن تدریجی خانوارهای فقیر از مرکز به حاشیه و شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی نظیر تحصیلات، شغل و درآمد و عوامل دیگر 	<p>ریشه عمده حاشیه‌نشینی</p>
<ul style="list-style-type: none"> ➤ سکونت در کانون‌هایی از شهر به صورت به هم پیوسته یا جدا از یکدیگر ➤ شکل‌گیری در محدوده اقتصادی شهرها ➤ فاقد جمعیتی همگن 	<p>اشکال اجتماع در نقاط حاشیه‌نشین</p>
<ul style="list-style-type: none"> ➤ شکل‌گیری در پی ساخت‌وساز غیراستاندارد و غیرقانونی (در مسیر سیل، پایین‌دست کارخانه‌ها با دفع پسماندهای سمی، محل‌های دفع زباله، مجاورت پایانه‌های مسافری، ایستگاه‌های راه‌آهن، فرودگاه‌ها) ➤ پایین بودن سطح بهداشت (کاهش امید زندگی، افزایش بیماری‌ها، فقر غذایی، کودکان با کوتاهی قد و کاهش وزن، بالابود مرگ مادران در اثر بارداری و زایمان) و ایمنی، بروز جرائم و انزوای اجتماعی، و شلوغی و ازدحام ➤ فقدان یا ضعف جدی در دسترسی به خدمات پایه و خدمات شهری (آب، برق، بهداشت محیط، دفع فاضلاب، جمع‌آوری زباله، آسفالت معابر و خیابان‌ها، روشنایی معابر و ...) 	<p>مشخصات محلات حاشیه‌نشین</p>
<ul style="list-style-type: none"> ➤ خطرات ناشی از عدم ایمنی حمل‌ونقل، آلودگی‌های صنعتی کارخانه‌ها هم‌جوار و آسیب‌پذیری بالا به دلیل رانش زمین و حوادثی نظیر سیل ➤ بروز بیمارهای عفونی، به‌خصوص سل و ایدز، آلودگی هوا، آب‌و‌خاک به دلیل دپوی زباله ➤ اشتغال به مشاغل غیرعادی (دست‌فروشی لباس کهنه)، مشاغل غیرقانونی (خرید و فروش مواد)، کودکان کار 	<p>مهم‌ترین آسیب‌ها و تهدیدات محیطی سکونت‌گاه‌های غیررسمی</p>
<ul style="list-style-type: none"> ➤ حاشیه‌نشین‌ها؛ منشأ بزرگی از رأی درانت پتانسیل برای ایفای نقش اپوزیسیون 	<p>آثار سیاسی حاشیه‌نشینی</p>
<ul style="list-style-type: none"> ➤ حاشیه‌نشین‌ها وسیله‌ای برای تولید خدمات ارزان‌قیمت ➤ دسترسی محدود به اقتصاد رسمی و رایج بودن کسب درآمد از روش‌های غیررسمی 	<p>آثار اقتصادی حاشیه‌نشینی</p>
<ul style="list-style-type: none"> ➤ گم‌گشتگی، تعارض فرهنگی و تقابل هنجارها و ارزش‌ها و بروز برخوردهای تنش‌زا در پی شوک زندگی شهری و فقدان حمایت اجتماعی ➤ شکاف آرمان-دست آورد در نیل به خواسته‌های شغلی و بروز ناکامی‌های اقتصاد ➤ غالبیت حمایت فرقه‌ای و فامیلی 	<p>آثار فرهنگی حاشیه‌نشینی</p>

پیشینه تحقیق :

صنعتی شدن، وقوع تحولات شهری توسعه سریع و ناموزون شهرنشینی مهاجرت های فزاینده روستاییان به شهرها عوارضی از جمله، فاصله طبقاتی، تجمع ثروت در دست عده ای و فقر عده ای کثیر، حاشیه نشینی و سکونت در شهرها را در پی داشته است. در ایران در این پدیده (حاشیه نشینی) بعد از وقوع اصلاحات ارضی و ناکارآمدی اقتصاد کشاورزی روستاها به وقوع پیوست؛ چنان که در یک بررسی گسترده، که در ۱۳۵۱ در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران انجام شد، مشخص گردید که ۹۱ درصد از سرپرستهای خانواده های حاشیه نشین در تهران، روستایی بوده اند و ۳ درصد آنان قبلاً در شمار دهقانان بودند و ۲۰ درصد از آنها خرده مال بوده اند

شیدا (۱۳۷۹) به موضوع علل شکل گیری اسکان غیر رسمی در شهر اردبیل و راهکارهای بهسازی آن (محلّه سلمان آباد) پرداخته و چنین نتیجه گرفته که در بررسی انگیزه ها و علل مهاجرت، ۹۰ درصد ساکنان علت اصلی مهاجرت خود را به این منطقه به صرفه بودن فعالیتهای اقتصادی در شهر و یا روستای مبدأ ذکر کرده اند. از طرفی بیش از ۸۵ درصد از مهاجران علت اصلی انتخاب محلّه را امکانات سکونت، ارزانی زمین و نبودن محدودیت برای ساخت ساز دانسته اند.

نقدی و صادقی (۱۳۸۵) نشان دادند که بخش عمده اسکان غیر رسمی شهر همدان، ناشی از مهاجرت های روستا - شهری است. حاشیه نشینان از شهر و محل زندگی خود رضایت بالایی ندارند و از احساس تعلق شهروندی پایینی برخوردارند. بهبود زیرساختهای فیزیکی شهر یا محلّه مهمترین اولویت آنان برای بهبود وضعیتشان محسوب میگردد

ربانی و همکاران (۱۳۸۷) در تحلیلی بر علل اصلی شکل گیری مناطق حاشیه نشین در شهر اصفهان نمونه موردی: منطقه ارزنان و دارک نشان دادند که نتایج به دست آمده، حاکی از وجود ارتباط مستقیم و معنادار بین متغیرهای عوامل اقتصادی (جاذبه ها و دافعه ها)، امکانات، سهولت تهیه مسکن و زمین، قومیت گرایی، نوع قومیت و نوع شغل با حاشیه نشینی و نبود ارتباط بین متغیر عوامل طبیعی آسیب زا با حاشیه نشینی است.

حیدری (۱۳۸۹) در مقاله ای تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه نشینی و بازتاب های آن با تأکید بر کاربری خدمات شهری (مورد: شهر یزد، به بررسی علل شکل گیری حاشیه نشینی در ارتباط با شاخص های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، تجاری، ورزشی و بازتابهای ناشی از آن در شهر یزد پرداخته است. با توجه به ضریب پراکندگی کاربری های و خدمات شهری که در محلات حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین وجود دارند، چنین استنباط می شود که شاخص های یاد شده به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در حاشیه نشینی محسوب میشوند

شیبانی (۱۳۹۰) در پژوهش دیگری تحت عنوان «اسکان غیررسمی، علل پیامد و راه حلها؛ مورد مطالعه شیرآباد زاهدان»، با روشی توصیفی - تحلیلی و با جمع آوری اطلاعات از منابع کتابخانهای و در نهایت، تجزیه و تحلیل این دادهها با شاخصهای آمار توصیفی مانند میانگین به این نتیجه میرسند که ۸۹ درصد حاشیه نشینان را روستاییان فقیر تشکیل میدهند که عمده ویژگی های این مردمان درآمد اندک، بیکاری، داشتن مشاغل غیر رسمی، تراکم خانوار، تعداد زیاد خانواده، جوانی جمعیت، کم سواد و وضعیت نامناسب مسکن می باشند. راهکار اصلی پژوهش هم مبتنی بر چاره جویی و حل مشکلات از مبداء، یعنی روستاهاست

خاکپور و هادیزاده بزاز در سال (۱۳۹۱) تحلیلی بر علل ساختاری مهاجرت، شهرنشینی و اسکان غیررسمی در ایران با نگرش ویژه بر کلانشهر مشهد عنوان مقاله ای است که نتایج تحقیق این دو محقق نشان می دهد که با برنامه ریزی منسجم و توزیع عادلانه سرمایه، جمعیت و فرصت های اقتصادی میتوان موجبات تعادل فضایی و کاهش مهاجرت به شهرهای بزرگ و به تبع آن اسکان غیررسمی را کاهش داد

مانوئل کاستلز در کتاب مسئله شهری در سال ۱۹۷۷ در باره گروه های حاشیه نشین در کشورهای در حال توسعه میگوید: شهرنشینی با آهنگ شتابنده ای گسترش می یابد در حالی که امکانات اشتغال مولد برای جمعیت تازه وارد (مهاجران) فراهم نیست، سکونتگاه ها و محله های نامتعارف از قبیل زاغه ها و آلونکهای حاشیه ای که از طریق مهاجران تازه وارد و تهی دست برپا شده به شیوه خودرو و خودساز به وجود می آیند در نهایت وی حاشیه نشینی را مولود نابرابریهای اقتصادی - اجتماعی و شهرنشینی ناهمگون و انتقال فقر روستایی به فقر شهری می داند

الدیرینگ و نورث (۲۰۰۷) به بررسی حاشیه نشینی جوانان مهاجر و عوامل خطر در زندگی روزمره آنها در اروپای غربی پرداخته اند. این تحقیق بیان می کند که جوانان مهاجر نشین، نسبت به جوانان بومی بیشتر در خطر هستند. همچنین مشکلات و مسائل خانواده های مهاجر در اروپای شمال غربی، به ویژه جوانان مهاجر را که مواجه با اولین دوره پس از مهاجرت هستند را نشان می دهد. یافته های این پژوهش بیان می کند که خانوارهای مهاجر به محض رسیدن به مقصد دچار تعارض و ناهمگونی فرهنگی می شوند

روش تحقیق :

پژوهش حاضر به روش کیفی، مبتنی بر تحلیل تم و ابزار اطلاعات مورد نیاز این پژوهش، در گام اول با بررسی ادبیات و مبانی نظری تحقیق، اسناد و مدارک، مشاهدات میدانی و مطالعات اکتشافی نگارنده و مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۲۰ نفر از نخبگان درباره ی جمعیت دسته بندی شاخص ها انجام گرفته است.

روایی یافته های پژوهش توسط مصاحبه شوندگان در روند مصاحبه ها و نحوه کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده ها تایید شد. برای اطمینان از پایایی داده ها با معیارهای خاص پژوهش کیفی چون اعتبار، اتکاپذیری^۱ و قابلیت انتقال^۲ برای تشریح جنبه های مختلف قابلیت اعتماد^۳ استفاده شده است (Polit, Hungler, 1991) هرچند ما جنبه های قابلیت اعتماد را تفکیک میکنیم اما آن ها باید در هم تنیده و مرتبط انگاشته شوند. اولین سؤال در مورد «اعتبار» زمانی به وجود می آید که در مورد کانون توجه تحقیق، انتخاب زمینه و روش های گردآوری اطلاعات تصمیم گیری می شود. انتخاب شاخص های فوق، احتمال روشن ساختن سؤال تحقیق را از جنبه های مختلف افزایش می دهد (Patton 1987؛ Adler & 1998).

جنبه دیگر از قابلیت اعتماد، «اتکاپذیری» است. به گفته لینکلن و گوبا (1985) «اتکاپذیری» به دنبال روشی برای در نظر گرفتن عوامل ناپایداری و عوامل تغییرات برآماده از طرح است. وقتی اطلاعات گسترده اند و گردآوری برای مدتی طول می کشد احتمال خطر بی ثباتی و تناقض وجود دارد، لذا در این پژوهش سعی شده اطلاعات در حداقل زمان ممکن گردآوری، تحلیل، مقوله بندی و گزارش شود که مجموعاً مطالعه ۲ ماه به طول انجامید

قابلیت اعتماد همچنین دربر دارنده مسئله «قابلیت انتقال» است که اشاره دارد به این که یافته ها چه قدر قابل انتقال به سایر شرایط یا گروه ها هستند. (Polit & Hungler, 1991) ارائه غنی یافته ها به همراه اقتباس های مناسب هم می توانند قابلیت انتقال را ارتقا دهند. (Graneheim & Lundman, 2004). در این مطالعه سعی کرده ایم این شرایط را رعایت کنیم.

تحلیل تم روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای (تم-ها) موجود درون داده-ها است. این روش در حداقل خود داده-ها را سازماندهی و در قالب جزئیات توصیف می-کند. اما می-تواند از این فراتر رفته و جنبه-های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند رویکردهای کیفی بسیار متنوع، پیچیده، و ظریف هستند و تحلیل تم بایستی به عنوان یک روش اساسی برای تحلیل کیفی در نظر گرفته شود. تحلیل تم نخستین روش تحلیل کیفی است که محققان باید فرا بگیرند، زیرا این روش، مهارت-های اصلی که برای اجرای بسیاری از روش-های دیگر تحلیل کیفی لازم است را فراهم می-آورد (Braun & Clarke, 2006: 78).

1- dependability
 2- transferability
 3- trustworthiness

پژوهش اسنادی:

پژوهش اسنادی همان‌طور که ذکر شد بر مبنای استفاده از اسناد و مدارک است و زمانی مورد کاربرد است؛ که یا تحقیقی تاریخی در دست انجام باشد و یا آن‌که تحقیق مرتبط با پدیده‌های موجود بوده و محقق در صدد شناسایی تحقیقات قبلی در مورد آن موضوع برآمده باشد و یا آنکه پژوهش، نیاز به استفاده از اسناد و مدارک را ایجاب نماید و در اصطلاح آن‌که بخواهیم در یک زمینه خاص، مأخذیابی کنیم. (ساروخانی: ۲۵۶)

اصالت یک تحقیق اسنادی به منابع حائز اهمیتی است که از آنان استفاده می‌شود. مأخذ مورد استفاده در تحقیقات اسنادی و کتابخانه‌ای سه دسته هستند:

۱) کتب؛ شامل دو دسته فرهنگ لغت‌ها، دانش‌نامه‌ها، اطلس‌ها و همچنین کتب تخصصی در یک رشته علمی‌اند؛

۲) مجله‌ها و نشریات ادواری؛ شامل روزنامه‌ها و سایر مجله‌های عمومی و تخصصی‌اند؛

۳) اسناد؛ شامل نشریه‌هایی است که توسط سازمان‌های ذی‌صلاح منتشر می‌شوند.

استفاده از اسناد و مدارک و روش‌های صحیح منبع‌گذاری و متأخریابی از اهمیت بسیار زیادی در جامعه شناسی برخوردار است. به این طریق که در تحقیقات، حق دیگران ضایع نشود و خواننده بداند؛ که جمله یا پاراگراف خاص که در تحقیق نقل شده از کجا اخذ شده است. همچنین اعتبار یک تحقیق تاریخی به نوع مدارک و اسنادی است که محقق از آن‌ها بهره گرفته است. بنابراین مأخذیابی نه تنها منبع‌یابی را در مسأله سنجش به‌عهده دارد؛ بلکه به نوعی ارتباط اخلاق با علم را هم مبین است. (همان: ۲۷۴-۲۶۰)

مشاهدات و مطالعات میدانی نگارنده:

روشش تحقیق میدانی یک روش کیفی برای جمع‌آوری اطلاعات است که پژوهشگر عملاً در محیط تحقیق قرار می‌گیرد و با گردآوری داده‌های مورد نیاز به بررسی و تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌پردازد. اصلی‌ترین روش این نوع تحقیق بر پایه‌ی مشاهده و مطالعات میدانی محقق است. به عبارت دیگر منظور از مطالعات میدانی تحقیقاتی است که موضوع مورد نظر در اختیار و در دسترس محقق قرار داشته باشد. در این روش محقق نکات مهم را یادداشت و سپس به جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌پردازد.

مراحل تحقیق میدانی این پژوهش شامل موارد زیر است:

۱) انتخاب موضوع و بیان مسئله

۲) تعیین حدود و گستره و مکان تحقیق

۳) تعیین سوال تحقیق

۴) گردآوری اطلاعات و داده‌های میدانی

۵) مشاهده

۶) تجزیه و تحلیل اطلاعات

۷) تهیه گزارش تحقیق (یافته‌های پژوهش)

مصاحبه نیمه ساختار یافته : در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختاریافته که بازبوده استفاده شده است که در آن اجازه پرداختن به ایده‌های جدید داده می‌شود تا در طول جریان مصاحبه به عنوان یک نتیجه از آنچه مصاحبه‌شونده می‌گوید به ارمغان آورد. در این پژوهش مصاحبه نیمه ساختار یافته با نخبگان درباره‌ی جامعیت دسته بندی شاخص‌ها به عمل آمد.

مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل تم:

فراگرد تحلیل تم زمانی شروع می‌شود که تحلیل-گر الگوهای معنی و موضوعاتی که جذابیت بالقوه دارند را مورد نظر قرار می‌دهد. این تحلیل شامل یک رفت و برگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و خلاصه‌های کدگذاری شده، و تحلیل داده‌هایی است که به وجود می‌آیند. نگارش تحلیل از همان مرحله اول شروع می‌شود. به طور کلی هیچ راه منحصر به فردی برای شروع مطالعه در مورد تحلیل تم وجود ندارد.

مراحل شش-گانه تحلیل تم در ادامه توضیح داده شده‌اند. تحلیل تم فراگردی بازگشتی [۱] است که در آن حرکت به عقب و جلو در بین مراحل ذکر شده وجود دارد. به علاوه تحلیل تم فراگردی است که در طول زمان انجام می‌پذیرد.

مرحله ۱. آشنایی با داده‌ها: برای اینکه محقق با عمق و گستره محتوایی داده‌ها آشنا شود لازم است که خود را در آنها تا اندازه‌های غوطه‌ور سازد. غوطه‌ور شدن در داده‌ها معمولاً شامل "بازخوانی مکرر داده‌ها" و خواندن داده‌ها به صورت فعال (یعنی جستجوی معانی و الگوها) است.

مرحله ۲. ایجاد کدهای اولیه: مرحله دوم زمانی شروع می‌شود که محقق داده‌ها را خوانده و با آنها آشنایی پیدا کرده است. این مرحله شامل ایجاد کدهای اولیه از داده‌ها است. کدها یک ویژگی داده‌ها را معرفی می‌نمایند که به نظر تحلیل-گر جالب می‌رسد. داده‌های کدگذاری شده از واحدهای تحلیل (تم‌ها) متفاوت هستند.

کدگذاری را میتوان به صورت دستی یا از طریق برنامه های نرم افزاری انجام داد. اگر کدگذاری به روش دستی انجام گیرد، میتوان داده ها را به وسیله نوشتن یادداشت بر روی متنی که تحلیل می-شود، یا با استفاده از رنگی کردن به و سیله مداد انجام داد. می-توان ابتدا کدها را مشخص کرد و سپس آنها را با خلاصه داده-هایی که کد را نشان می-دهند تطابق داد. نکته مهم در این مرحله این است که همه خلاصه داده ها کدگذاری شده و در قالب هر کد مرتب شده-اند .

مرحله ۳. جستجوی تم ها: این مرحله شامل دسته بندی کدهای مختلف در قالب تم های بالقوه، و مرتب کردن همه خلاصه داده های کدگذاری شده در قالب تم های مشخص شده است. در واقع محقق، تحلیل کدهای خود را شروع کرده و در نظر می گیرد که چگونه کدهای مختلف می توانند برای ایجاد یک تم کلی ترکیب شوند .

مرحله ۴. بازبینی تم ها: مرحله چهارم زمانی شروع میشود که محقق مجموعه از تم ها را ایجاد کرده و آنها را مورد بازبینی قرار میدهد. این مرحله شامل دو مرحله بازبینی و تصفیه تم ها است. مرحله اول شامل بازبینی در سطح خلاصه-های کدگذاری شده است. در مرحله دوم اعتبار تم ها در رابطه با مجموعه داده-ها در نظر گرفته می-شود .

اگر نقشه تم به خوبی کار کند، آنگاه میتوان به مرحله بعدی رفت. اما، چنانچه نقشه به خوبی با مجموعه داده-ها همخوانی نداشته باشد، محقق باید برگردد و کدگذاری خود را تا زمانی که یک نقشه تم رضایت-بخش ایجاد شود ادامه دهد. محقق در انتهای این مرحله بایستی آگاهی کافی از اینکه تم های مختلف کدام ها هستند، چگونگی تناسب آنها با یکدیگر، و کل داستانی که آنها درباره داده ها می گویند در اختیار داشته باشد .

مرحله ۵. تعریف و نام گذاری تم ها: مرحله پنجم زمانی شروع میشود که یک نقشه رضایت بخش از تم ها وجود داشته باشد. محقق در این مرحله، تم هایی را که برای تحلیل ارائه کرده، تعریف کرده و مورد بازبینی مجدد قرار می-دهد، سپس داده-ها داخل آنها را تحلیل میکند. به وسیله تعریف و بازبینی کردن، ماهیت آن چیزی که یک تم در مورد آن بحث می-کند مشخص شده و تعیین میگردد که هر تم کدام جنبه از داده ها را در خود دارد.

مرحله ۶. تهیه گزارش: مرحله ششم زمانی شروع میشود که محقق مجموعه ای از تم های کاملاً آبدیده در اختیار داشته باشد. این مرحله شامل تحلیل پایانی و نگارش گزارش است. (B raun& Clarke, 2006: 93).

جدول ۲. تم های اصلی و فرعی عوامل ایجاد کننده گسترش مناطق حاشیه نشین شهرستان زابل

تم های اصلی	تم های فرعی (مفهوم)
عوامل اقتصادی و محیطی	فقر
	مشاغل کاذب
	ارزانی ملک ، زمین و اجاره بها
	نداشتن فضای سبز در مناطق اصلی شهر
	ملحق شدن روستاهای اطراف به شهر
عدم سیاست گذاری صحیح توسعه روستایی منطقه سیستان	اقلیم منطقه سیستان
	عدم پیگیری حق آبه رودخانه هیرمند
	مکانیزه نبودن کشاورزی
	عدم توسعه یافتگی بازارچه های مرزی
	بسته شدن مرز
	عدم توسعه گردشگری منطقه سیستان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۳. تم های اصلی و فرعی برنامه ریزی منطقه ای مبتنی بر مهار گسترش حاشیه نشینی

تم های اصلی	تم های فرعی (مفهوم)
پیشگیری در مبدا (روستاهای منطقه سیستان)	تبدیل تهدیدهای طوفان های ۱۲۰ روزه به فرصت
	توسعه بخش کشاورزی
	توسعه گردشگری
	توسعه بخش تجارت مرزی
	رونق صنایع روستایی
	اجرای طرح تشکیل شرکت های تعاونی توسعه و عمران در مناطق روستایی
پیشگیری در مقصد (شهرستان زابل)	اقدامات کالبدی و عمرانی
	اقدامات اقتصادی و اشتغال
	اقدامات و خدمات فرهنگی و اجتماعی

یافته های پژوهش:

عوامل ایجاد کننده گسترش مناطق حاشیه نشین شهرستان زابل

- اقتصادی و محیطی: یکی از دلایل اصلی و مهم گسترش مناطق حاشیه نشین شهرستان زابل عوامل اقتصادی و محیطی است. حاشیه نشینی، پدیده ای است که گریبانگیر محرومان و افراد بی پناه شده است چهره شهرها را به عنوان مانعی برای توسعه، تغییر داده است. با نگاهی عمیق به محرومیت و فقر مردم در خواهیم یافت که این پدیده ناشی از عوامل مختلفی بوده و حاشیه نشینی را بیش از پیش تشدید کرده است. فقر خانوار، فوت بزرگترها و بستگان و نیز نبود توان مالی مناسب برای خرید مایحتاج اولیه زندگی و کسب درآمد با استفاده از شغل های کاذب، اقشار محروم را به اجبار به حاشیه نشینی روی آورده است. باین حال عدم امکانات رفاهی و همچنین نبود فضای سبز در مناطق اصلی شهرستان زابل نیز باعث شده است تا مردم بین زندگی حاشیه نشینی و شهری تفاوتی احساس نکنند. مناطق حاشیه نشین به عنوان یک راه حل برای

تأمین مسکن اقتصادی ارزان برای ساکنانی که از درآمد و دست مزد بالایی برخوردار نیستند محسوب می شود و تا هنگامی که تفاوت کلی در میزان درآمد و توزیع ناعادلانه خدمات و امکانات شهری و دولتی میان مناطق مختلف شهرستان زابل و روستاهای منطقه سیستان وجود داشته باشد، گسترش حاشیه نشینی هنوز وجود دارد، در صورتی که به مباحث شهرنشینی، رشد و توسعه شهری و نحوه کیفیت آن توجه نگردد، روند این تحولات به نفع محیط شهر و شهروندان ساکن در آن نخواهد بود.

- عدم سیاست گذاری صحیح توسعه روستایی منطقه سیستان: اغلب ساکنان محلات حاشیه نشین شهرستان زابل افراد مهاجر روستایی هستند که به دلیل نداشتن مهارت و تخصص لازم و سرمایه کافی در بخش رسمی اقتصاد شهری جذب نشده اند، بخش بزرگی از این ساکنان در فقر و بیکاری به سر می برند. بلایای طبیعی مانند خشک سالی های دوره ای و بلندمدت و خشک شدن رودخانه هیرمند و دریاچه هامون و عدم مدیریت صحیح منابع آبی و عدم امکان استفاده از مکانیسم های مدرن و نوین در بخش کشاورزی باعث به وجود آمدن فقر و از بین رفتن مراتع طبیعی و دامها در منطقه سیستان شده است و بسته شدن مرز و از دست دادن کسب و کار باعث فقر بیشتر مردم روستایی و عدم استفاده از ظرفیت متخصصان گردشگری محلی و بومی در مناطق مرزی به منظور برنامه ریزی و ارائه راهکارهای مناسب جهت توسعه گردشگری و استفاده نکردن از ظرفیت های مثبت بادهای ۱۲۰ روزه که نتیجه آن با مهاجرت بی رویه از روستاهای سیستان به شهرستان زابل شده است و همچنین پیوستن روستاهای اطراف به شهر باعث رشد محلات حاشیه ای در شهرستان زابل شده است.

برنامه ریزی منطقه ای مبتنی بر مهارت گسترش حاشیه نشینی:

- پیشگیری در مبدا (روستاهای منطقه سیستان): افراد مهاجر روستایی با حضور در محلات حاشیه ای مهارت لازم برای فعالیت اقتصادی را ندارند از این رو به سمت اقتصاد غیررسمی همچون دست فروشی، خرید و فروش حیوانات خانگی و یا جمع آوری پسماند روی می آورند. باید انگیزش های مهاجرتی مورد بررسی قرار گیرد و از وقوع مهاجرت از روستاها به شهر جلوگیری به عمل آید.
- برای آموزش اشتغال در روستاها، باید سعی کنیم فرهنگ روستاها را به نحوی به طرف استفاده از رسانه های الکترونیکی مانند: رادیو، تلویزیون، سی دی های آموزشی، اینترنت، کتاب، مطبوعات و شبکه های اجتماعی مجازی سوق دهیم تا روستای الکترونیک شکل گیرد. توسعه روستایی را باید با توجه به چند عامل پی ریزی کرد که بیشتر از همه وجود نهادهایی مردمی محلی است که بتوانند مردم را در مشکلات خود مشارکت دهند و مکانی برای ارتقا سطح آموزش ها و مهارت ها و مشارکت فعالانه و مطالبه گری مستمر باشند.

- تقویت روستاها و آماده‌سازی بسترها در روستا برای پذیرش مجدد افراد می‌تواند چشم‌اندازی مناسب برای کاهش معضلات حاشیه‌نشینی را متصور سازد. روستاها با داشتن چرخه اقتصادی پویا و تولید محور و سبک زندگی سالم علاوه بر ایجاد سلامت اقتصادی و فرهنگی می‌تواند از گسترش پدیده حاشیه‌نشینی جلوگیری کند.

برای توانمندسازی روستاهای سیستان (سرزمین مبدأ) اقدامات زیر ضروری است:

- رونق بخشیدن به فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری، شیلات، صنایع دستی، کارگاهی، گردشگری و توسعه بازارچه‌های مرزی روستاهای منطقه با همکاری شبکه‌های اجتماعی، مطبوعات، حمایت و مطالبه‌گری گروه‌های ذی‌نفع محلی و انعکاس مشکلات روستاییان و جلب حمایت‌های مردمی که نتیجه‌ی آن توانمندسازی روستا و پیشگیری از مهاجرت مردم به شهر میشود.
- با توجه به محدودیت‌های منابع آبی در کل کشور خصوصاً منطقه سیستان تغییر الگوی کشت یکی از مهم‌ترین راهکارهای ادامه حیات کشاورزی در منطقه سیستان با توجه به محدودیت منابع آبی و هزینه‌های انجام شده جهت انتقال آب با لوله به اراضی کشاورزی کشاورزان باید با همکاری سازمان جهاد کشاورزی به سوی تغییر الگوی کشت و کشت اقتصادی خصوصاً کشت‌های فشرده در فضای گلخانه‌ای حرکت کنند. تعیین الگوی کشت مناسب و اجرای سریعتر آن در منطقه توسط وزارت جهاد کشاورزی باید مشخص گردد و ضمن اینکه تامین کمک‌های بلاعوض نقدی جهت پرداخت به کشاورزان خسارت دیده و تامین علوفه یارانه‌ای واحدهای دامی ضروری است.
- کمک به توسعه صنایع دستی با توجه به سابقه دیرینه صنایع دستی و هنرهای سنتی در اقتصاد روستاها، تقویت و توسعه این بخش از مهم‌ترین راهکارهای اشتغالزایی در روستاهای سیستان محسوب می‌شود. صنایع دستی روستایی (از قبیل: حصیر بافی، قالی بافی، گلیم بافی، زیورآلات سنتی، سکه‌دوزی، سوزن‌دوزی، سفال و سفالگری و غیره) که به نوعی تداعی کننده بخشی از سنت‌های اصیل قومی مردم منطقه است، نه تنها موجب اشتغال در روستاها می‌شود بلکه منبع درآمد مهمی برای خانوارهای روستایی است و از سویی از آنجا که اشتغال به صنایع دستی در بسیاری از روستاها، بیشتر در فصول بیکاری صورت می‌گیرد، این امر در پیشگیری از مهاجرت فصلی روستائیان به شهرها حائز اهمیت است.
- اجرای طرح تشکیل شرکت‌های تعاونی توسعه و عمران در مناطق روستایی می‌تواند منجر به جلب مشارکت مردم در اقتصاد مقاومتی شود و مردم سهامدار این شرکت‌ها خواهند بود. لذا این امر موجب تقویت بنیه اقتصادی روستاها می‌شود، در طرح شرکت‌های توسعه و عمران روستایی، دولت سیاستگذار و حامی خواهد بود و کار توسط مردم انجام می‌شود (سیاست‌های نظام در قالب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی). گام دوم، وارد کردن و دخالت دادن فناوری‌های نوین در عرصه فعالیت‌های اقتصاد روستایی از طریق حمایت‌های دولت که خود یکی از شاخص‌های گذر از کشاورزی سنتی به کشاورزی

تجاری و ماشینی است. (برقدار کردن چاه‌ها، ماشین آلات کشاورزی، بسته بندی و غیره) گام بعدی، ارتقای حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و برنامه‌ریزی برای گسترش مشارکت آنان، به ویژه در زمینه‌های اقتصادی در روستاهای منطقه، شرطی لازم برای توسعه پایدار است. یکی از رویکردهای مورد توجه در توسعه همه جانبه اجتماعات روستایی است، به طوری که وجود تنوع در اقتصاد روستا لازمه دستیابی به توسعه پایدار روستایی است.

➤ استفاده از ظرفیت‌های بالقوه منطقه سیستان مخصوصاً افزایش فعالیت‌های تجاری و بازار چه‌های مرزی به دلیل مرز مشترک با کشورهای افغانستان و پاکستان می‌تواند مشکلات اقتصادی و معیشتی مردمان این منطقه را حل کند.

➤ تالاب هامون در شمال استان سیستان و بلوچستان و در شهرستان زابل قرار گرفته است. این تالاب از سه بخش دریاچه هامون در کشور ایران، هامون پوزک در کشورهای ایران و افغانستان و هامون صابری تشکیل شده است. حق آبه ایران از هیرمند به دادخواست حقوقی ایران از آب رود هیرمند در افغانستان و سیستان اشاره دارد. معاهده‌ای که در ۲۲ اسفند ۱۳۵۱ میان امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر وقت ایران و موسی شفیق، نخست‌وزیر وقت افغانستان در کابل به امضا رسید و بر اساس آن مقرر شد در هر ثانیه ۲۶ مترمکعب آب (معادل ۸۵۰ میلیون مترمکعب در سال) سهم ایران از آب سد کجکی این رودخانه باشد. با وجود انعقاد قرارداد حق‌آبه هیرمند، از اواخر دهه ۱۳۷۰ و هم‌زمان با کاهش بارش سالانه و گسترش خشکسالی بر سیستان، میزان ورودی آب رود هیرمند به دریاچه هامون مرتباً کاهش یافت. حفر نهرها و رودهای متعدد برای انتقال آب رودخانه، نصب و به‌کارگیری انواع پمپ در مسیر رود هیرمند برای کشاورزی در افغانستان در نهایت خشک شدن تالاب هامون به عنوان هفتمین تالاب بین‌المللی جهان را در پی داشت. این موضوع موجب قطع منبع زندگی و امرار معاش حدود نیم میلیون نفر از مردم ساکن در سیستان، کاهش چشمگیر پرندگان بومی و مهاجر سیستان و سایر وحوش طبیعی، رو به انقراض نهادن گاو سیستانی، تنگدستی و مهاجرت گسترده سیستانی‌ها به مناطق شمالی ایران و زوال روزافزون صنایع دستی در این منطقه شد. اساسنامه پیگیری حق آبه رودخانه هیرمند و شروع کار نقشه‌برداری از حوضه آبریز این رودخانه برای جانمایی سه نقطه آبیگیری باید در اولویت کار مسئولان استانداری سیستان و بلوچستان و فرمانداری زابل واقع شود و در صورت تحقق این مهم ما شاهد آبیگیری تالاب هامون می‌شویم و آثار منفی بادهای ۱۲۰ روزه منطقه خنثی می‌شود و وزش بادهای ۱۲۰ روزه همانند یک تهویه طبیعی و کولر، هوای سرد را از دریاچه به سایر نقاط منتقل می‌کند و نعمت تلقی می‌شود و با بکارگیری انرژی عظیم بادهای ۱۲۰ روزه، می‌توان علاوه بر ایجاد اشتغال، درآمدزایی، تامین انرژی منطقه و رفع ریزگردها، نسبت به صادرات برق حاصل از آن به کشورهای همسایه مانند افغانستان و پاکستان نیز اقدام کرد.

➤ منطقه سیستان دارای پیشینه‌ای اسطوره‌ای و تاریخی در روایات ملی و تاریخی ایران است. این شهر دیدنی‌های زیادی از جمله شهر سوخته، موزه شهر سوخته، قلعه رستم، قلعه کهک کهزاد، کوه خواجه زابل، تالاب هامون، رودخانه هیرمند، چاه نیمه‌ها، ارگ سه کوهه یا قلعه سه کوهه، شهر باستانی زرک یا همان دهانه غلامان، ارگ سه کوهه یا قلعه سه کوهه، آرامگاه خواجه غلطان، بانک ایران و انگلیس، قلعه مچی (قلعه چه رئیس)، زیارتگاه بی بی دوست و غیره دارد که هر یک گواهی بر تاریخ غنی این منطقه است. جذب سرمایه‌گذاری‌های دولتی، مردمی و خصوصی در زمینه توسعه گردشگری منطقه سیستان و استفاده از ظرفیت متخصصان گردشگری محلی و بومی در مناطق مرزی به منظور برنامه‌ریزی و ارائه راهکارهای مناسب جهت توسعه گردشگری و فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم برای احداث مجتمع‌های گردشگری و ایجاد کمپین‌های فرهنگی و هنری با کمک هنرمندان و مطبوعات محلی و کشوری در جهت تشویق به سفر به منطقه و همچنین معرفی پتانسیل‌های گردشگری منطقه سیستان می‌تواند تاثیر مثبت و سازنده در رونق اقتصادی منطقه داشته باشد.

➤ حمایت کز شگران حقوقی و اجتماعی محلی از تصویب قوانین منفعت محور در راستای افزایش ظرفیت‌های فعالیت‌های اقتصادی و تجاری مردم به‌ویژه مرزنشینان باهدف تبدیل پایانه میلک به دروازه صادرات، واردات شرق و ترانزیت محصولات کشاورزی افغانستان که موجب توسعه اقتصادی کشاورزی منطقه می‌شود.

➤ سیاست‌گذاری صحیح دولت و استفاده از نظرات تشکل‌های مردمی منطقه در زمینه‌های توسعه پایدار شهری و توانمندسازی روستاهای منطقه که نتیجه‌ی آن اجرای صحیح سیاست‌گذاری در منطقه است و این امر مهم موجب رونق بخشیدن تولید، کمک به توسعه صادرات و پیشگیری از مهاجرت مردم روستایی می‌شود

• پیشگیری در مقصد (شهرستان زابل): اکنون وضعیتی به وجود آمده است که معضل اسکان غیررسمی در شهرستان زابل وجود دارد، بنابراین سرزمین مقصد (شهرستان زابل) نیز نیازمند برنامه‌ریزی مناسب و کارآمد است.

توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین در سرزمین مقصد (شهرستان زابل) سه هدف مدنظر است:

برای تحقق اولین هدف (بسترسازی برای ارتقای شرایط محیطی سکونتگاه‌های غیررسمی موجود به نحوی پایدار و فراگیر): راهبرد بخش دولتی - عمومی عبارتست از سازمان‌های مردم‌نهاد جایگزین مناسبی برای بخش دولتی در ارائه خدمات هستند. برای اینکه صرفه‌جویی در هزینه‌ها و کارایی خدمات بیشتر شود، به همین علت دولت‌ها قراردادهای مشترکی را با سازمان‌های مردم‌نهاد منعقد می‌کنند. در سطح محلی طرح‌های اجرایی کوچک بسیاری

وجود دارد که حجم کار زیادی را بر دوش دولت گذاشته است، سازمان‌های مردم‌نهاد نقش مهمی در اجرای این قبیل طرح‌های کوچک که متناسب با توان و تخصص آن‌هاست را دارند. در عین حال منابع مالی هم شامل سرمایه‌گذاران خیر که هدفشان قرب الهی و کمک به هم نوع هست و با سرمایه‌گذاری مردم محلی که از این طریق در اختیار سازمان‌های مردم‌نهاد قرار می‌گیرد باعث ثبات و استمرار آن‌ها و ارتقای ظرفیت‌شان در رسیدن به اهداف می‌شود. نتیجه‌ی این تعامل آن است که شهروندان خدمات بیشتری با کیفیت بهتر در اختیار خواهند داشت.

برای تحقق دومین هدف (پیش‌نگری گسترش اسکان غیر رسمی و زمینه‌سازی تامین مسکن مناسب با خدمات مرتبط برای گروه‌های کم درآمد) راهبرد بخش دولتی - عمومی عبارتست از: تقویت و ایفای نقش تضمین‌کننده و تنظیم‌کننده در جهت دسترسی همگانی و در حد توان مالی اقشار کم درآمد شهری به نهادهای مسکن. البته برآوردن نیاز مردم به مسکن مناسب، تنها متوجه بخش دولتی - عمومی و مساله‌ای صرفاً کالبدی و به عبارتی ساختمان‌سازی، آن هم برای یک یا چند بخش محدود و جدا از یکدیگر نیست، برآوردن این نیاز مستلزم هماهنگی و تشریک مساعی تمامی بخش‌هاست، آنهم در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی و به طور جامع از دیدگاه‌های اجتماعی - اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی است.

برای تحقق سومین هدف (زمینه‌سازی برای بهره‌مندی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی از امتیازات شهری و شهروندی) راهبرد بخش دولتی - عمومی عبارتست از: برای مهیا کردن زمینه‌ای برای تضمین حق اقامت و سکونت ساکنان حاشیه‌نشین می‌تواند با ایفای نقش مشارکت، گفت‌وگو و مطالبه‌گری در طراحی راه‌حل‌هایی در خصوص «مشکل مسکن، تضمین حق مالکیت، ایجاد کارآفرینی و اشتغال در محله، ایجاد صندوق‌های قرض الحسنه محلی، ایجاد دفاتر نمایندگی سلامت در محله، ایجاد دفاتر تسهیل‌گر محلی در جهت حمایت بهبود وضع اقتصادی (مالی، اشتغال، هدایت و مشاوره برای کارآفرینی)، حمایت روانی (اعتماد به نفس، حضور در جامعه و شادمانی) و کالبدی (بهسازی بافت‌های فرسوده منازل و کوچه‌ها و خیابان‌ها)» به سمت توسعه و پیشرفت محلات خود حرکت کنند.

با توجه به اهداف فوق نکات زیر حائز اهمیت است:

- ✓ بالا رفتن سطح آموزش و مشاوره به ساکنان حاشیه‌نشین
- ✓ فرهنگ‌سازی اقدام مشارکتی و کار گروهی، مطالبه‌گری و گفت‌وگو در اجتماع محلی
- ✓ توسعه و گسترش نهادهای مردمی سازمان یافته جهت ارائه خدمات و زیرساخت‌ها و منابع.

✓ نهادهای اجتماعی - اقتصادی در سطح محله مجراهای ارتباطی شهروندان و مدیریت شهری هستند و برای اینکه بتوانند به این رسالت خودبه صورت مثبت و کارا عمل کنند، باید با حداقل دخالت نهادهای دولتی شکل گیرد.

✓ برای تحقق ارتباط منسجم بین مدیریت شهری و نهادهای مردمی، مدیریت دولتی باید در چارچوب خود، نهادهای لازم را پدید آورد و به بیان دیگر، ساختارش را در ارتباط با زیر مجموعه ی نهادهای محلی که به جامعه ی شهری و شهروندان تعلق دارد، تنظیم نماید

✓ طرحی شامل نهادهای پیشنهادی در ساختار مدیریت شهری در محله ها ایجاد شود تا زمینه سازی برای ایجاد نهادهایی چون "تشکل های محلی"، "سازمانهای مردم نهاد" و "صندوق قرض الحسنه محلی" در دستور کار این طرح قرار گیرد

محور اساسی در بهبود شرایط ساکنان مناطق حاشیه نشین فقط نباید به ارتقاء شرایط کالبدی و ساختاری محلات توجه نمود، بلکه ضرورت هماهنگی بیشتر نهادها و سازمانها در توانمند سازی اجتماعات محلی جهت مسئولیت پذیری در قبال حقوق شهروندی و شهر می باشد. این فرایند مسیری متفاوت به ویژه در حوزه مهندسی اجتماعی طلب می کند. بنابراین ضروری است که حرکت های توانمندسازی محلات علاوه بر پروژه محوری و بهسازی محلات، مردم محوری را با عنایت به توانمندسازی، ظرفیت سازی و نهادسازی و گروههای محلی مد نظر قرار دهد.

نهادهای جدیدی در فعال کردن زمینه ایجاد شوراهای محلات نتایج مثبت و کارآمدی دارد. تشکیل این شوراهای اگر در ارتباط با پروژه هایی که معضل مهم و فراگیر محلات هستند صورت پذیرد، ماندگاری و پایداری بیشتری خواهند داشت. ضمن آنکه منابع سرشار نیروی انسانی و مردمی و منابع مالی را برای پروژه های مورد نیاز تأمین خواهد شد. از سوی دیگر اعتماد هر چه بیشتر مردم را به مسئولان محلی و شهرداری در پی خواهد داشت. زیرا مردم هم در پروژه های شوراهای محلی دخیل هستند و حق اظهار نظر دارند در نتیجه در پروژه های بعدی با اعتماد بیشتری به مشارکت می کنند..

مهمترین عاملی که تضمین کننده ی حمایت مردمی و ایجاد اجتماعات محلی و جلب مشارکت مردم خواهد بود، تسهیل گری سازمانهای مردمی است. سازمانهایی که در ارتباط با سطوح مختلف خدمات شهری می توانند در اقشار مختلف جامعه ی حامیان اجتماعی و مالی خوبی برای پروژه های محلات بیابند.

نتیجه گیری :

یکی از راهکارهای مهم رفع حاشیه نشینی در زابل برقراری رابطه متعادل و هماهنگ بین سکونتگاه های روستایی و شهر است. پیش توسعه روستا به استفاده از نیروی کار موثر در روستاها همراه با برنامه ریزی مدبرانه و ارائه تسهیلات ضروری برای رونق بخشیدن به فعالیت های کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و کارگاهی و بعضاً گردشگری به روستاها و توانمند سازی روستاهای منطقه سیستان، از مهاجرت روستاییان به شهرها جلوگیری خواهد نمود در نتیجه معضل حاشیه نشینی در شهر زابل کاهش می یابد.

متولی بخش فرهنگی و اجتماعی در مناطق حاشیه نشین و سکونتگاه های غیررسمی از دو بخش تشکیل شده است؛ یکی سازمان های متولی و فرایندهای اجرایی آنها و دوم برنامه هایی است که برای این محلات در نظر گرفته شده که می تواند ساختار رسمی و غیررسمی داشته باشد. سازمان هایی مانند استانداری، شهرداری، سازمان تبلیغات و بهزیستی می توانند در این حوزه تأثیرگذار باشند در کنار این ها سازمان های مردم نهاد، اتاق های فکر و ایده های خودجوش نیز شروع به کار می کنند، بنابراین بخش فرهنگی و اجتماعی این مناطق باید از دو بعد بررسی شود. در بررسی اغلب سکونتگاه های غیررسمی بیشتر توجه به ابعاد ساختاری و کالبدی شده است و مباحث فرهنگی و اجتماعی به حاشیه رفته است. در نظام برنامه ریزی شهری تمام برنامه ها معطوف به مباحث کالبدی، فیزیکی و زمین است، بحث های فرهنگی و اجتماعی در اولویت های آخر قرار می گیرد، در واقع اولویت ها به ترتیب ابعاد کالبدی و زیرساخت، اقتصادی، گردشگری و در نهایت مسائل فرهنگی و اجتماعی تعریف شده است و گاهی نیز به آن توجه نمی شود.

در روش جدید نظام برنامه ریزی باید رویکرد و تفکر انتقادی به برنامه ریزی شهری داشته باشیم و بخش فرهنگی و اجتماعی را باید وارد متن برنامه ریزی شود، در واقع باید از ظرفیت های بخش های فرهنگی و اجتماعی استفاده کارآمد صورت گیرد.

اجتماعات ساکن هدف اصلی و در واقع گزینه اصلی در فرآیند ظرفیت سازی هستند و در بیشتر برنامه ها و طرح های توسعه محلی، از فرآیند ظرفیت سازی در اجتماعات محلی، تحت عنوان ظرفیت سازی اجتماع محور نامبرده می شود. اجتماعات محلی ساکن در سکونتگاه های غیررسمی دارای ظرفیت هایی برای توسعه و ترقی می باشند. اغلب نیازمند تقویت، رشد و گسترش هستند. نهادهای مردمی محلی و منطقه ای و گروه های ذی نفوذ ساکنان سکونتگاه های غیررسمی را در مسائل و مشکلات حاد سکونتگاه هایشان آگاه می کنند و آنها را تشویق به مطالبه گری، مشارکت و گفتگو در مساجد و مدارس محله جهت دسترسی به خدمات مالی، نوسازی مسکن، تقویت زیرساخت ها، آموزش، مشاوره و دیگر خدمات شهری جهت ورود به عرصه برابری با سایر شهروندان نقاط دیگر شهری کنند.

ظرفیت‌سازی تنها با ارتقا سطح آموزش‌ها و مهارت‌ها منجر به ارتقای کیفیت زندگی و شرایط سکونت در سکونتگاه‌های غیررسمی نخواهد گردید. آموزش بخشی از این فرآیند است و کار اصلی مربوط به کار گروهی، مشارکت فعالانه و مطالبه‌گری مستمر ساکنان حاشیه‌نشین خواهد بود.

راهکارهای پیشگیری از حاشیه‌نشینی

راهکارها و اقداماتی دیگری هم وجود دارد که با استفاده از آنها میتوان از پدیده حاشیه‌نشینی جلوگیری کرد. برخی از این موارد را شرح داده ایم:

- ✓ خدمات، امکانات و فرصت‌ها برای روستاها، شهرهای کوچک و بزرگ بطور یکسان و عادلانه توزیع شود تا از معضل حاشیه‌نشینی پیشگیری شود.
- ✓ جهت پیشگیری از حاشیه‌نشینی باید برای خرده‌وام و پس‌انداز مسکن، صندوق‌های محلی ایجاد شود و شغلهایی با مشارکت و سرمایه‌ی اولیه خود مردم و خیرین محلی، ضمن بهره‌گیری از منابع دولتی، عمومی و خصوصی شکل گیرد.
- ✓ حریم شهر در شهرهای بزرگ به خصوص کلان‌شهرهای کشور به منظور جلوگیری از حاشیه‌نشینی معین شود و در جهات جغرافیایی نسبت به تهیه نقشه جامع رشد شهر اقدام شود.
- ✓ برای پیشگیری از حاشیه‌نشینی باید سازمان‌های مردم‌نهاد را تشویق و ترغیب کنند تا در امر ساماندهی و توانمندسازی اجتماعات حضور و مشارکت مثبت سازنده داشته باشند.
- ✓ بررسی ظرفیت مشارکتی سازمان‌های مردم‌نهاد با ساکنان حاشیه‌نشین شهرستان زابل در راستای اهداف توانمندسازی و بهسازی و نوسازی.
- ✓ تدارک حمایت از سیاست‌گذاری‌های کاهش فقر و رفع محرومیت در برخورداری از خدمات و زیرساخت‌های پایه و توانمندسازی همه‌ی اقشار جامعه با حمایت و مطالبه‌گری گروه‌ی نفوذ محلی
- ✓ بررسی راهکارهای افزایش انگیزه بازگشت به روستا و زندگی روستایی در مناطق سیستان

منابع:

- بز، کیانی، عبدالغنی، (۱۳۹۵)، بررسی علل شکل‌گیری و راهکار مقابله حاشیه‌نشینی شهر زابل با تاکید بر توانمندسازی، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات شهری، ۶(۲۱)، صص ۲۸-۱۷

- بزى، كيانى، عبدالغنى، (۱۳۹۶)، ارزیابی راهبرد توانمند سازی حاشیه نشینان در بهسازی شهر زابل، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای، ۷ (۲۳)، صص ۲۲-۱
- پیران، پرویز، (۱۳۸۱)، بازم در باب اسکان غیر رسمی: مورد شیر آباد زاهدان، هفت شهر فصلنامه عمران و بهسازی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱ (۹ و ۱۰)، صص ۲۴-۷
- حیدری نوشهر (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی و بازتابهای آن با تأکید بر کاربری خدمات شهری (مطالعه موردی: شهر یزد). فصلنامه جغرافیایی سرزمین ۸ (۱)، صص ۵۰-۳۱
- خاکپور، براتعلی و هادیزاده بزاز، مریم (۱۳۹۱) تحلیلی بر علل ساختاری مهاجرت، شهرنشینی و اسکان غیر رسمی در ایران با نگرش ویژه بر کلان شهر مشهد، دانشگاه مشهد: چهارمین کنفرانس مدیریت و برنامه‌ریزی شهری
- ربانی، رسول، وارثی، حمیدرضا، عریضی، فروغ السادات، حسینی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسئله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز، مجله جغرافیا و توسعه، ۴ (۷)، صص ۸۹-۱۱۴
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ هفتم، جلد ۱، صص ۲۷۴-۲۵۶
- شریعت زاده، مریم، (۱۳۸۲)، ساختارهای مورد نیاز جهت مهار و ساماندهی حاشیه‌نشینی در ایران، مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی، جلد اول
- شیدا، سعید، (۱۳۷۹) علل شکل‌گیری اسکان غیر رسمی در شهر اردبیل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد
- شه - بیانی، امین (۱۳۹۰)، اسکان غیر رسمی، علل، پیامدها و راهکارها (مورد مطالعه: شه - بیرآباد زاهدان). سومین همایش (کنفرانس) برنامه‌ریزی و مدیریت شهری. مشهد
- صرافى، مظفر، (۱۳۸۲)، بازنگری ویژگی‌های اسکان خود انگیخته در ایران، در جستجوی راهکارهای توانمند سازی، مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی، جلد اول، انتشارات دانشگاه علوم و بهزیستی و توانبخشی
- مهندسین مشاور طاش، (۱۳۹۳)، طرح جامع شهرستان زابل، سازمان مسکن و شهرسازی استان سیستان و بلوچستان

- نقدی، اسد الله و صدیقی، (۱۳۸۵)، حاشیه نشینی چالشی فرا روی توسعه پایدار شهری با تاکید بر شهر همدان، فصلنامه رفاه اجتماعی جلد ۵ شماره ۲۰ صفحات ۲۱۳-۲۳۴
- نوذری، آذر، (۱۳۸۵)، ساماندهی و توانمند سازی اسکان غیر رسمی شهر اهواز کوی منبع آب، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انسانی یزد، استاد راهنما: زیاری، کرامت اله
- منابع روزنامه های خبری
- روزنامه همشهری آنلاین « فقر و حاشیه نشینی زابل»، بیست و چهار آذر ۹۶
- روزنامه اعتماد « ضرورت حمایت از کودکان حاشیه» شماره ۳۹۰۰ - پنج شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۹۶
- پایگاه تحلیلی خبری شهرستان سراوان « حاشیه نشینی در زابل به ۴۵ درصد رسید»، شانزدهم تیر ۹۸
- خبرگزاری بین المللی قرآن « حاشیه نشینی ۴۱ درصدی مردم سیستان و بلوچستان» بیست و پنج دی ۹۶
- پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی، « آشنایی با تعاریف حاشیه نشینی و وضعیت حاشیه نشینان در ایران و جهان»، شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۴

- Adler, P.A & Adler, P. (1998). *Observational techniques*. In: Denzin, N K. & Lincoln, Y.S. (Eds.). *Collecting & Interpreting Qualitative Materials*. London and New Delhi: Sage Publication
- Amchaki, H. (2003), *Legal instruments affecting of the projection of population and marginalization*, *Haft Shahr Journal*, No 9 and 10, the Department of Housing and Urban Development, pp. 64-65 (in Persian).
- Bazzi, Kh. (2007), *Analysis of the of process of urbanization and physical development of the city of Zabol*, *Faza geographiae Journal*, Summer 2007, No 18, pp. (30-1)
- Braun, v and Clarke, v (2006) *using thematic analysis in psychology*, *qualitative research in psychology journal*, vol 2, 123-140
- Graneheim, U.H. & Lundman, B. (2004). *Qualitative content analysis in nursing research: Nurse Education Today*. Retrived from intl.elsevierhealth/journal/nedt
- Irandoust, K. (2010), *Over the short experience empowerment of informal settlements in Kermanshah*, *Geographia and Toseaeh Journal*, No 20, Pages 78-۵۹ (□□ □□□□□□□□)
- Lahasaei A, Z. 1998, *Migration*, first edition publishing, Navid Shiraz, 268 pages (in Persian).
- Patton, Q., M. (1987). *How to use qualitative methods in evaluation*. Sage publications Inc., Newsbury park, London, New Dehli
- Polit, D.F. & Hungler, B.P. (1991). *Nursing Research: Principles & Methods*. Fourth ed, Philadelphia: J. B. Lippincott Company

- Sarrafi, M. *Toward a theory of informal settlements from squatter settlement to urbanization text*, Haft shahr Journal, the third year, 1381, No8, the Department of Housing and Urban Development, pp.1-15. (in Persian).
- Sheikhi, M.(2002), *The process of formation and transformation of settlements car around Tehran Study of Islam Shahr*, Nasim, Shahr and Golestan, Haft shahrJournal, No8, the Department of Housing and Urban Development, pp.51-36 (in Persian).
- UN-HABITAT .(2009), *Good Urban Governance: Towards an Effective Private Sector Engagement*. Nairobi

